

The Free Circulation of Information and Interference of competences in the Procedure of the Supreme Council of Cyberspace

Ali hajipour kondroud

Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science , Islamic Azad University, Orumieh , Iran

Saeid azimzadeh

Ph.D. Student in public Law, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University , Tabriz , Iran .

hajipour.ali62@gmail.com

DOI: 10.30495/CYBERLAW.2024.709688

Keywords:

Supreme Council of Cyberspace,
National Center of Cyberspace,
Virtual Space,
Privacy

Abstract

Nowadays, virtual space has become an inseparable part of people's lives, and with a rapid speed, it has affected all aspects of life. Technological revolution, influenced the freedom of expression in such a modern way that the development of radio and television had never done. This revolution revealed new manifestations of freedom of expression. With new developments in this field, gradually, cultural participation in various fields of the society became more prominent and the relations that were done in limited formats became bolder and more noticeable. However, the possibility to control and make restrictions in different types of communication also became more evident. Such Control that is done mainly through governmental mechanisms and opposition to the free exchange of information has entered a new stage with emergence of the social networks. Censorship, filtering and monitoring of the data and content, and progress in interception methods of correspondence and conversations in such networks have increased in line with the epidemic of these networks. In the present research, while attempting at referring to the freedom of information circulation in the virtual space, the role of the Supreme Council of Cyber Space in explication of the laws governing the cyberspace has been examined.



.This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license:

(<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

گردش آزاد اطلاعات و تداخل صلاحیت‌ها در

رویه شورای عالی فضای مجازی

علی حاجی پور کندرود

استادیار، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

سعید عظیمزاده

دانشجوی مقطع دکتری حقوق عمومی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

hajipour.ali62@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۸ تیر ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۷ فروردین ۱۴۰۲

چکیده

امروزه فضای مجازی به بخش تفکیک‌ناپذیری از زندگی انسان‌ها تبدیل شده و با سرعت شتابان، تمامی شئون و عرصه‌های زیست بشر را تحت تأثیر قرار داده است. انقلاب فناوریانه، آزادی بیان را به نحوی مدرن متأثر ساخت که توسعه رادیو و تلویزیون قبلاً آن را دگرگون نکرده بود. این انقلاب، جلوه‌های جدیدی از آزادی بیان را در مقابل ما هویدا کرد. با تحولات جدید در این حوزه، رفته‌رفته مشارکت فرهنگی در زمینه‌های مختلفی از جامعه پررنگ‌تر شد و مراوداتی که تا پیش از آن در قالب‌هایی محدودتر صورت می‌گرفت، پررنگ‌تر شد. باین‌حال، به همان میزان نیز امکان کنترل و ایجاد محدودیت در اقسام مختلف ارتباطات در اشکال جدیدی، هویدا شد. چنین کنترلی که عمدتاً از طریق سازوکارهای دولتی و در مقابله با جریان مبادله آزادانه اطلاعات صورت می‌گیرد، با ظهور شبکه‌های اجتماعی وارد مرحله جدیدی شده است. سانسور و فیلترینگ و نظارت بر محتوای داده‌ها و پیشرفت شیوه‌های ره‌گیری مکاتبات و مکالمات در این شبکه‌ها متناظر با همه‌گیری این شبکه‌ها افزایش یافته است در پژوهش حاضر سعی شده است ضمن اشاره به آزادی گردش اطلاعات در محیط مجازی، نقش شورای عالی فضای مجازی را در تبیین قوانین مرتبط با محیط مجازی موردبررسی قرار گیرد.

کلید واژگان: شورای عالی فضای مجازی، مرکز ملی فضای مجازی، محیط مجازی، حریم خصوصی.

مقدمه

یکی از عرصه‌های عمومی که امروزه جوامع را تحت تأثیر خود قرار داده، عرصه فضای مجازی است به عبارت دیگر از آنجاکه عرصه فضای مجازی، یکی از عرصه‌های عمومی تلقی می‌شود و نادیده گرفتن آن از سوی دولت‌ها منجر به تضییع حقوق مشترک انسان‌ها می‌شود، دولت‌ها موظف به سیاست‌گذاری، اجرا و ارزیابی در این خصوص هستند (اشتریان، ۱۳۹۱: ۶۸). واژه فضای مجازی که متشکل از دو واژه فضا و مجازی است و معادل فارسی آن رایاسپهر است، واژه اول فضا به معنی محوطه بسیط و آزاد و مجازی یا سایبر به شبکه‌های رایانه‌ای اطلاق می‌شود (اسماعیلی و نصراللهی، ۱۳۹۵: ۵۸). فضای مجازی محیط الکترونیکی واقعی است که ارتباطات انسانی به شیوه‌ای سریع و واقعی، فرار از مرزهای جغرافیایی و با ابزار خاص خود روی می‌دهد (حسین نژاد، ۱۳۹۸: ۵۵). بی‌تردید پرداختن به شیوه‌های مواجهه با فضای مجازی و ابعاد گسترده و متنوع آن، امری ضروری است که خود نیازمند قانون‌گذاری یکپارچه، هماهنگ و متمرکز است تا از حقوق افراد جامعه در فضای مجازی حمایت گردد. با ظهور و گسترش صنعت ارتباطات و در امتداد آن اینترنت به‌عنوان شبکه ارتباطی و اطلاعاتی جهانی، فضای جدیدی در عرصه زندگی به وجود آمد که می‌توان با عناوینی همچون «فضای مجازی» یا «فضای سایبری» از آن یادکرد. این فضای جدید به دنبال پیشرفت فزاینده فناوری‌هایی که تصور تغییر جهت بین دو فضای را بیش‌ازپیش نامحسوس و غیرطبیعی زدایی می‌کنند، به تدریج و بیش‌ازپیش الزامات، قواعد هنجارها، الگوهای کنشگری، تعامل و ارتباطات نمادین، نهادها، اجتماعات، ارزش‌ها و ضد ارزش‌های فضای این جهانی را در خود به شکلی شبیه‌سازانه برمی‌تابد. در تعریف مختصر از محیط مجازی می‌توان گفت: فضای مجازی عبارت است از «امتداد فرهنگ و اجتماع انسانی در محیط شبکه‌های اطلاعاتی بر بستر فناوری اطلاعات و ارتباطات». در مطالب پیش رو ضمن بررسی مراجع صلاحیت‌دار سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری فضای مجازی به‌طور اخص جایگاه شورای عالی فضای مجازی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ به این سؤال است که جایگاه شورای عالی فضای مجازی در تعیین گستره آزادی ارتباطات تا کجاست و هدف اصلی واکاوی محدودیت‌ها و ضوابط تعیین‌شده از سوی شورای مذکور نسبت به اقدامات اشخاص در محیط مجازی می‌باشد. برای بررسی چنین هدفی لازم است، ایجاد، ساختار و جایگاه و صلاحیت شورا را بررسی می‌نماییم.

۱. از تأسیس تا مؤلفه‌های تمایز شورای عالی فضای مجازی

در کشور ما نهادهای مختلفی من جمله مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی اقدام به قانون‌گذاری در فضای مجازی نموده‌اند که در مواردی موجبات تداخل و تزاخم این نهادها با یکدیگر نیز گشته است. تمرکز ما در پژوهش حاضر بیشتر بر روی جایگاه شورای عالی فضای مجازی و مصوبات آن است. شورای مذکور یکی از نهادهایی است که به‌موجب حکم حکومتی و به‌منظور سیاست‌گذاری در امور مربوط به تعامل با فضای گسترده مجازی در جامعه ایرانی ایجاد شده است و بیش از یک دهه از تاریخ تشکیل آن می‌گذرد. این شورا در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۹۰ طی حکمی از سوی رهبری تأسیس شد که در آن رئیس‌ان قوا و برخی دیگر از مسئولان نظام عضو هستند. همچنین می‌توان این شورا را با سیاست‌های کلی نیز مرتبط دانست (آگاه و درخشان، ۱۳۹۸: ۱۸). از آنجاکه یکی از وظایف مقام رهبری در اصل ۱۱۰، تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر اجرای آن است می‌توان تأسیس این شورا را در راستای سیاست‌های کلی حاکم بر فضای مجازی دانست. سیاست‌های کلی نظام اصول و راهکارهای کلان یک نظام سیاسی-حقوقی است که برای دستیابی به اهداف و آرمان‌های قانون اساسی در یک دوره زمانی مشخص ارائه می‌گردند. چنانچه قائل به هرکدام از نظریات پیش‌گفته باشیم این نکته روشن است که مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی که بنا به مقتضیات زمان از سوی امام خمینی (ره)

تأسیس شد، شورای عالی فضای مجازی نیز با توجه به نقش فزاینده‌ای که فضای مجازی در زندگی امروز ایفا می‌کند به دستور رهبری بنانهاده شده است و صرفاً موجودیت خود را از حکم حکومتی می‌گیرد. مسئولیتی که به عهده این نهاد گذاشته شده ناشی از خلأیی بود که در مسئله فضای مجازی و گسترش آن در جامعه و نفوذ آن در زندگی شخصی و اجتماعی افراد احساس می‌شد. هدف از تشکیل این نهاد در فرمان تأسیس آن چنین آمده است: گسترش فزاینده فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی به‌ویژه شبکه جهانی اینترنت و آثار چشمگیر آن در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی و لزوم سرمایه‌گذاری وسیع و هدفمند در جهت بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های ناشی از آن در جهت پیشرفت همه‌جانبه کشور و ارائه خدمات گسترده و مفید به اقشار گوناگون مردم و همچنین ضرورت برنامه‌ریزی و هماهنگی مستمر به‌منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از آن اقتضا می‌کند که نقطه کانونی متمرکزی برای سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای مجازی کشور به وجود آید. به این مناسبت شورای عالی فضای مجازی کشور با اختیارات کافی به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌گردد و لازم است به کلیه مصوبات آن ترتیب اثر قانونی داده شود. اعضای حقوقی این شورا عبارت‌اند از: رئیس‌جمهور (رئیس شورا)، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس قوه قضائیه، رئیس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، دبیر شورای عالی امنیت ملی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر علوم تحقیقات و فناوری، وزیر اطلاعات، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و هفت نفر نیز اعضای حقیقی آن هستند. طی حکم رهبری این شورا وظیفه دارد مرکزی به نام مرکز ملی فضای مجازی ایجاد نماید تا اشراف کامل و به‌روز نسبت به فضای مجازی در سطح داخلی و جهانی داشته و نسبت به نحوه مواجهه فعال و خردمندانه کشور با این موضوع از حیث سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و محتوایی در چارچوب مصوبات شورای عالی تصمیم‌گیری نماید، همچنین طبق این فرمان کلیه دستگاه‌های کشور موظف به همکاری همه‌جانبه با این مرکز هستند. با توجه به عدم پیش‌بینی این نهاد در قانون اساسی، جایگاه مصوبات وضع شده از سوی شورای عالی فضای مجازی نیز مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی در نظام حقوقی ایران و قائل شدن اختیار تصویب قانون یا مصوبات لازم‌الاجرا به شورای عالی فضای مجازی باعث شده است تا این نهاد نیز در زمره نهادهای متعدد قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران درآید و مصوباتش در حیطه صلاحیت آن در حدی باشد که نهادهای دیگر قانون‌گذاری امکان تزامن و تداخل در آن‌ها را نداشته باشند و به‌نوعی از حیث سلسله‌مراتبی مصوباتش در موارد مربوط به فضای مجازی در مرحله‌ای برتر و مشرف بر دیگر نهادها قرار گیرد. مصوبات شورای عالی فضای مجازی نیز به دلیل تشابه زیاد با شورای عالی انقلاب فرهنگی باید اولاً با قانون اساسی مطابقت داشته باشد و ثانیاً شورا باید در حیطه وظایف و اختیارات محوله از سوی رهبری اقدام به وضع قاعده نماید. با توجه به آیین‌نامه داخلی شورای عالی فضای مجازی می‌توان به دو مؤلفه که این مصوبات را از قانون عادی متمایز می‌کند اشاره کرد: نخست: عدم انتشار تمامی مصوبات شورا در تبصره ماده ۱۱ آیین‌نامه داخلی شورا آمده است: «آن دسته از مصوبات شورا که با تشخیص دبیر انتشار عمومی آن ضرورت دارد به‌منظور درج و انتشار در روزنامه رسمی کشور ابلاغ می‌شود». همان‌طور که ملاحظه می‌گردد امر انتشار مصوبه که امر بسیار مهمی است به سلیقه شخصی «دبیر» واگذار شده است. حال آنکه انتشار مصوبات لازم‌الاجرا از جمله حقوق شهروندان است و چنانچه مصوبه‌ای ابلاغ نشود انتظار عمل به آن انتظار نایجابی است (تکلو، سمیه؛ مرادخانی، فردین، ۱۴۰۰، ۴۷). این نکته را نیز باید افزود که باینکه وضع آیین‌نامه در اصل ۱۳۸ قانون اساسی پیش‌بینی شده اما ماده ۳۰ آیین‌نامه داخلی هیئت دولت مقرر داشته است: در صورتی که آیین‌نامه علاوه بر دستگاه‌های اجرایی برای مردم نیز ایجاد حق و تکلیف کند باید در روزنامه رسمی کشور منتشر شود و مصوبات شورای مذکور نیز در این موارد باید تابع مراتب مذکور باشد.

دوم: مرجع تفسیر مصوبات شورا. وفق ماده ۲۴ آیین‌نامه داخلی شورا تفسیر مصوبات شورای عالی فضای مجازی بر عهده خود شورا می‌باشد. این ماده راه را بر هرگونه تفسیر مصوبات بسته است. چنانچه مصوبات شورا با اسناد بالادستی و حتی قانون اساسی مطابقت نداشته باشد چه‌بسا با تفسیر شورا این مخالفت نادیده انگاشته یا مورد غفلت واقع می‌شود (تکلو، سمیه؛ مرادخانی، فردین، ۱۴۰۰، ۴۷). همچنین باید افزود که گرچه مطابق اصل ۷۳ قانون اساسی شرح و تفسیر قوانین عادی را در صلاحیت مجلس قرار داده اما همین اصل راهی برای تفسیر دادرسان در مقام تمییز حق بازکرده است.

۲. جایگاه مصوبات شورای عالی فضای مجازی

۱.۲. سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی

رهبری طی حکم تأسیس شورای عالی فضای مجازی آن را نقطه کانونی سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای مجازی اعلام نمود و در همان حکم با عنوان «مصوبه» از قواعد وضع‌شده از سوی شورای عالی یادکرده که «لازم است به کلیه مصوبات آن ترتیب آثار قانونی داده شود». به نظر می‌رسد رهبری برای شورا اختیار سیاست‌گذاری - و نه قانون‌گذاری - در نظر گرفته است و سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری و وضع قانون اصطلاحاتی متفاوت با معانی مخصوص به خود هستند که لازم است از یکدیگر بازشناخته شوند. علم سیاست‌گذاری بحثی جدید است و بعد از سال ۱۹۵۰ به وجود آمده است. قانون مرزهای مشخصی دارد اما خط‌مشی کلی‌تر است و به مصداق نمی‌پردازد. همچنین گفته‌شده است خط‌مشی باید با قوانین مطابقت داشته باشد و قرار نیست نظام قانون‌گذاری و نظام حقوقی را متشتت کند. قانون نیز مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور و کلی است که در زمان معین بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین شده است. این تعریف برداشت عام از قانون است و به معنای تمام مقرراتی است که از سوی سازمان‌های صالح دولت وضع شده است؛ خواه این سازمان‌ها قوه مقننه یا رئیس دولت یا یکی از اعضای قوه مجریه باشد؛ اما قانون به معنای خاص؛ آن‌گونه که در حقوق اساسی مدنظر است به قواعدی گفته می‌شود که با تشریفات مقرر در قانون اساسی از طرف قوه مقننه وضع شده و یا از راه همه‌پرسی به‌طور مستقیم به تصویب رسیده باشد و قانون‌گذاری به معنای (خاص آن) کلیه اقدامات نمایندگان منتخب مردم در مجلس در فرایند وضع قانون اعم از دریافت لایحه یا طرح و بررسی آن‌ها در کمیسیون‌های تخصصی و صحن علنی مجلس شور و مشورت و بحث و درنهایت تصویب آن‌ها است. همان‌گونه که برخی از محققان گفته‌اند مستندات و استدلال‌های متعدد از احکام تشکیل شوراها، سخنان و نامه‌نگاری‌های رهبر جمهوری اسلامی مؤید این فرض است که وظیفه شورا سیاست‌گذاری است (جلالی و سازگاری، ۱۳۹۹: ۶۸). با این اوصاف اگر وظیفه شورا را سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری بپذیریم این مصوبات باید در چارچوب قوانین بالادستی و نه فراتر از آن باشد.

۲.۲. نظارت بر مصوبات

مطابق ماده ۱۱ آیین‌نامه داخلی شورای عالی فضای مجازی مصوبات شورای عالی پس از ملاحظه رئیس شورا بلافاصله از سوی دبیر به استحضار مقام معظم رهبری می‌رسد و سپس از طرف دبیر به دستگاه‌ها و اشخاص ذی‌ربط ابلاغ می‌شود. واژه «بلافاصله» به معنی فقدان نهادی مابین شورا و مقام رهبری است و کلمه استحضار در فرهنگ دهخدا به معنای «اطلاع و آگاهی» آمده که به‌وضوح با نظارت متفاوت است (تکلو و مراد خانی، ۱۴۰۰: ۴۵). بنابراین مصوبات این نهاد برخلاف مصوبات مجلس شورای اسلامی که تحت نظارت دقیق شورای نگهبان از حیث مطابقت با قانون اساسی و موازین شرعی قرار می‌گیرند، به‌محض تصویب لازم‌الاجرا هستند. فقدان نهادی که مصوبات

را پالایش و تأیید کند برای هر نهاد قاعده گذاری خطر خروج از ضوابط کلی و پذیرفته شده را به دنبال دارد. در مورد نظارت قضایی باید اذعان نمود که دیوان عدالت اداری در مورد مصوبات شورای عالی فضای مجازی و شورای عالی انقلاب فرهنگی رویه ثابتی ندارد. علی‌رغم اینکه از ابطال مصوبات این نهادهای فرا قوه‌ای خودداری کرده اما مواردی را نیز به استناد مخالفت با قانون اساسی یا شرع ابطال نموده است (برای نمونه، دادنامه‌های شماره ۲۹۷ مورخ ۹ آبان ۷۸ و ۷ مورخ ۲ تیر ۱۳۸۱ هیئت عمومی). از مطالعه تبصره ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری که موارد استثنای صلاحیت هیأت عمومی دیوان در مورد ابطال مصوبات را بیان می‌دارد چنین برداشت می‌شود که منع قانونی برای اعمال نظارت بر مصوبات این شورا از سوی دیوان وجود ندارد، اما رویه عملی دیوان این بوده است که در سال‌های اخیر از ورود به ابطال مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی خودداری کرده است. به‌رحال رویه دیوان عدالت اداری این بوده که خود را برای رسیدگی به مصوباتی که به تنفیذ مقام رهبری رسیده است صالح نمی‌داند (به‌عنوان مثال دادنامه شماره ۱۴۰ مورخ ۲۹ خرداد ۱۳۸۴ هیئت عمومی).

لازم به ذکر است در خردادماه ۱۴۰۱ نیز طرحی تحت عنوان «اصلاح قانون ساختار و تشکیلات دیوان عدالت اداری» تصویب شد که شامل اصلاحات متعدد در صلاحیت‌ها و هم عدم صلاحیت‌های دیوان گردیده که فارغ از اجزاء دیگر این مصوبه که از موضوع بحث ما خارج است، بیشتر اصلاح تبصره ۲ ماده ۱۲ قانون تشکیلات دیوان مدنظر ما است که اشاره شده: به ماده (۱۲) قانون یک تبصره به شرح زیر به‌عنوان تبصره (۲) الحاق و شماره تبصره ماده مذکور به (۱) اصلاح می‌شود:

مطابق تبصره مذکور- رسیدگی به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی در حوزه تحت صلاحیت این نهادها از شمول صلاحیت دیوان خارج است. لیکن رسیدگی به مصوبات و تصمیمات زیرمجموعه‌های شوراهای مذکور از قبیل هیأت‌ها (کمیسیون‌ها)، کارگروه‌ها (کمیته‌ها)، شوراها و ستادها در صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار دارد. این رویکرد مجلس حاکی از تأیید ضمنی رویه شورای مذکور توسط قوه مقنن است.

۳.۲. نسبت شورا با قانون اساسی

در رابطه با پیش‌بینی این شورا در قانون اساسی دو دیدگاه وجود دارد، گروهی معتقدند که تأسیس این شورا در قانون اساسی پیش‌بینی نشده و در هیچ‌یک از اصول اشاره‌ای به شورای مذکور نشده است و مبنای تأسیس شورا حکمی از سوی مقام رهبری است که در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۹۰ ابلاغ شده است.

گروه دوم این شورا را باسیاست‌های کلی مرتبط دانسته‌اند (آگاه و درخشان، ۱۳۹۸: ۱۸). از آنجاکه یکی از وظایف مقام رهبری در اصل ۱۱۰، تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر اجرای آن است می‌توان تأسیس این شورا را در راستای سیاست‌های کلی حاکم بر فضای مجازی دانست؛ اما نکته قابل ذکر آنکه سیاست‌های کلی نظام اصول و راهکارهای کلان یک نظام سیاسی- حقوقی است که برای دستیابی به اهداف و آرمان‌های قانون اساسی در یک دوره زمانی مشخص ارائه می‌گردند. چنانچه قائل به هرکدام از نظریات پیش‌گفته باشیم این نکته روشن است که مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی که بنا به مقتضیات زمان از سوی امام خمینی (ره) تأسیس شد، شورای عالی فضای مجازی نیز با توجه به نقش فزاینده‌ای که فضای مجازی در زندگی امروز ایفا می‌کند به دستور رهبری بنانهاده شده است و صرفاً موجودیت خود را از حکم حکومتی می‌گیرد. مسئولیتی که به عهده این نهاد گذاشته شده ناشی از خلأیی بود که در مسئله فضای مجازی و گسترش آن در جامعه و نفوذ آن در زندگی شخصی و اجتماعی افراد احساس می‌شد.

۳. آزادی دسترسی به اطلاعات در رویه شورا

اهمیت آزادی اطلاعات به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر در نخستین مجمع سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ در قطعنامه ۹ از این قرار به رسمیت شناخته شد: «آزادی اطلاعات سنگ بنای تمام آزادی‌هایی است که سازمان ملل خود را وقف آن کرده است» (Thomton, 2020: 105). امروز دیگر دولت‌ها نمی‌توانند نسبت به تنظیم حقوقی فضای مجازی بی‌اعتنا بوده و آن را به کاربران و ارائه‌دهندگان خدمات واگذار کنند و ناگزیر از قانونمند کردن آن هستند (Aldrich, 2019: 178). حریم خصوصی افراد از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که در حقوق بر حفظ و صیانت از آن تأکید فراوان می‌شود؛ که در ارتباطی تنگاتنگ با آزادی اطلاعات است، ارتباطات خصوصی افراد می‌تواند قطع شده یا فایل‌های محرمانه که در کامپیوتر ذخیره می‌شوند و با اینترنت مرتبط‌اند از هرجایی در دنیا مورد دسترسی قرار گرفته و حتی کپی شوند بعلاوه بسیاری از اطلاعات دست‌اول افراد ممکن است جمع‌آوری شده و مورد سوء استفاده قرار گیرند و حتی در اینترنت منتشر شوند (Smith, 2016: 322). از منظر حقوقی هرگونه ورود در این حریم نیازمند حکم قانون است. شورای عالی فضای مجازی در تاریخ ۱۱/۰۵/۹۶ مصوبه «سیاست‌ها و اقدامات ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی» را باهدف ساماندهی فعالیت پیام‌رسان‌های اجتماعی داخلی و خارجی به تصویب رساند. بند (د) ماده ۱۱ «ذخیره‌سازی و پردازش داده‌های عظیم مرتبط با فعالیت‌های پیام‌رسان‌های اجتماعی در داخل کشور و ممانعت از دسترسی غیرمجاز به آن‌ها» را به‌عنوان یکی از اقدامات لازم و راهبردی مقرر کرده است. اگرچه در قانون اساسی به‌صراحت از حق بر حریم خصوصی آن‌هم به معنای حق بر حریم خصوصی فضای مجازی (البته به دلیل موضوعیت نداشتن آن در زمان بازنگری قانون اساسی) یاد نشده است، اما با استفاده از کلیت اصل بیستم تمامی افراد را به‌صورت یکسان از «همه حقوق انسانی» برخوردار می‌داند؛ همچنین اصل ۲۵ که هر نوع تجسس را ممنوع اعلام می‌کند. می‌توان گفت ذخیره اطلاعات و داده‌های مرتبط با پیام‌رسان‌های داخلی علاوه بر نقض قانون اساسی تعرض به حریم خصوصی افراد محسوب می‌شود. مصوبات شورای عالی فضای مجازی به دلیل اینکه تشریفات خاص قانون‌گذاری در مورد آن‌ها اعمال نمی‌شود و هم اینکه توسط مقنن تدوین نشده است قانون قلمداد نمی‌شود تا به‌موجب آن‌ها بتوان به حریم خصوصی افراد وارد شد. بعلاوه این اقدام را می‌توان به نحوی نقض غرض سیاست فراگیری پیام‌رسان‌های اجتماعی داخلی دانست؛ زیرا اغلب کاربران فضای مجازی علت عدم استفاده از پیام‌رسان‌های داخلی را ذخیره اطلاعات توسط همین پیام‌رسان‌ها اعلام می‌کنند.

این شورا همچنین در مصوبه مورخ ۰۹/۰۶/۱۳۹۸ به نام «نظام هویت معتبر در فضای مجازی» آورده است: برای هر نوع تعامل فنی، اقتصادی، پولی، مالی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اداری میان اشخاص و گروه‌ها، خدمات محتواها و مکان‌ها به هویت معتبر نیاز بوده و شکل‌گیری نظام قابل‌اطمینان برای هویت در فضای مجازی کشور ضروری است. هدف از ایجاد این نظام، استقرار زیست‌بوم تأمین‌کننده زیرساخت تعاملات آزادانه، سالم، پویا، مسئولانه و سودمند با رعایت حقوق فردی و جمعی در روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فناورانه بین انواع موجودیت‌ها در فضای مجازی است که زمینه لازم را برای توسعه کسب‌وکارهای دیجیتال سامانه‌های فنی رسانه‌های تعاملی و خدمات اداری ایجاد می‌کند. در بند ۱ ماده ۳ این مصوبه با عنوان خطوط اجرایی آمده است: «هر تعاملی در فضای مجازی کشور باید با شناسه معتبر آغاز شود». این مصوبه دو نوع تأمین‌کننده شناسه هویتی (مشابه ثبت‌احوال) و غیر هویتی (مشابه مؤسسات تأییدکننده میزان اعتبار مالی) را موظف به تأیید و رد صفات ادعایی کاربران فضای مجازی می‌داند. در بند ۹ ماده ۳ چنین مقرر شده است: «مرکز ملی فضای مجازی با همکاری قوای مجریه و قضاییه ظرف مدت شش ماه از تاریخ ابلاغ این مصوبه باید پیش‌نویس مقررات و لوائح قانونی لازم برای استقرار نظام هویت معتبر در فضای مجازی کشور را تهیه کند». این بند از مصوبه شورای عالی فضای مجازی را می‌توان بسیار ضروری و مفید تلقی کرد، زیرا در آن سازوکار ارائه پیش‌نویس لایحه قانونی از سوی قوه مجریه و قضائیه پیش‌بینی شده

است و منظور از لایحه یعنی متنی که برای لازم‌الاجرا شدن باید به تصویب نمایندگان مجلس برسد. به این ترتیب، اولاً سه قوه اجرایی، قضایی و تقنینی در نگارش و بررسی آن سهیم هستند و ثانیاً به دلیل ارتباط مستقیم با حق افراد بر حریم خصوصی بجاست که مورد بحث و تعمق از سوی نمایندگان مردم قرار گیرد. همچنین این اقدام با توجه به گسترش فعالیت‌های اقتصادی در فضای مجازی، خصوصاً شبکه‌های پیام‌رسان برای ایجاد هویت معتبر (یعنی نام و نام خانوادگی و سایر مشخصه‌های اکتسابی و انتسابی) در تمامی فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... نوعی تفتیش عقاید محسوب می‌شود و مغایر اصل ۲۳ قانون اساسی است، زیرا حق بر حریم خصوصی ایجاد می‌کند افراد بدون ترس از شناخته شدن کامل، اعتقادات مذهبی، سیاسی و اجتماعی خود را بروز دهند و مخاطبان بدون توجه به ارائه‌کننده پیام و قضاوت شخصیت او، گفتار را مورد ارزیابی قرار دهند.

مصوبه دیگری نیز تحت عنوان «سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی» مورخ ۱۱/۰۵/۱۴۰۱ در شورا به تصویب رسید که عنوان می‌کند: فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۱۰، فضایی در امتداد فضای واقعی، سالم، مفید، ایمن و متکی بر ظرفیت درون‌زای کشور خواهد بود. همچنین قرار گرفتن جزو قدرت‌های برتر سایبری و مقام اول ارائه خدمات فضای مجازی در منطقه غرب و جنوب غرب آسیا با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل و تلاش برای رفع حکمرانی کشورهای سلطه‌گر بر شبکه جهانی اینترنت نیز بخش‌های دیگری از چشم‌انداز تعیین شده است.

این سند ۲۶ هدف کلان را تعیین کرده است که مرور اجمالی آن نشان می‌دهد هدف‌گذاری‌های خوبی داشته است. مثلاً دستیابی به جایگاه برتر در زنجیره ارزش خدمات و محتوا در کشورهای منطقه یا دستیابی به سهم ۱۰ درصدی هسته اقتصاد دیجیتال از کل اقتصاد کشور، برخی دیگر از اهداف کلان این سند عبارت‌اند از:

- . تحکیم و تقویت حکمرانی، اعمال حاکمیت و اقتدار ملی بر تمامی ابعاد و لایه‌های فضای مجازی کشور
- . دستیابی به قدرت فضای مجازی در تراز جهانی، جایگاه نخست قدرت فضای مجازی در بین کشورهای منطقه
- . ارتقای سطح هوشمندی در نظامات ملی از قبیل نظام آموزش، بهداشت، حمل‌ونقل و سایر خدمات شهری
- . دستیابی به خوداتکایی ملی در حوزه‌های علوم، فناوری‌ها و صنایع راهبردی فضای مجازی
- . تکمیل و روزآمدی شبکه ملی اطلاعات
- . تأمین امنیت همه‌جانبه فضای مجازی کشور
- . قاعده‌مند سازی دسترسی به داده‌ها
- . کسب مرجعیت رسانه‌ای در فضای مجازی و رفع محاصره تبلیغاتی
- . مثبت شدن تراز تجاری در محصولات و خدمات فضای مجازی
- . تبدیل فضای مجازی کشور به کانون منطقه‌ای تبادل داده و ارائه خدمات زیرساختی به کشورهای منطقه
- . آمایش سرزمین و توزیع عادلانه امکانات فضای مجازی
- . پیشرانی فضای مجازی در اقتصاد دانش‌بنیان و مقاومتی و ایجاد فرصت‌های جدید شغلی
- . و ...

در این سند ۳۹ اقدام کلان هم در دستور کار قرار گرفته و مأموریتی به هر یک از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و حاکمیتی، محول شده است. البته احتمالاً اقدامات کلان سند هم با نظرات موافق و مخالفی در برخی حوزه‌ها همراه خواهد شد. از اهم اقدامات کلان ابلاغ شده برای اجرا می‌توان به:

. تکمیل و روزآمدسازی شبکه ملی اطلاعات با اولویت ارائه خدمات پایه نظیر پیام‌رسان اجتماعی، موتور جست‌وجو، سیستم عامل و خدمات مراکز داده

. طراحی نظام‌های حقوقی، قضایی و انتظامی فضای مجازی

. طراحی نظام امنیت و دفاع فضای مجازی

. طراحی نظام جامع تنظیم‌گری

. طراحی دولت هوشمند

. طراحی نظام شهر هوشمند بومی، امن و پایدار

. و ...

اهدافی منطبق با نیازهای مهم کشور در حوزه اقتصاد و فناوری‌های نوین تعیین شده است، همچون: «طراحی نظام اقتصاد دیجیتال»، «طراحی نظام رمز ارز»، «به‌کارگیری فناوری‌های نوین پولی و مالی در فضای مجازی»، «سامان‌دهی و توسعه اینترنت اشیا»، «طراحی نظام به‌کارگیری فناوری‌های نوین فضای مجازی از قبیل هوش مصنوعی، زنجیره بلوکی، پردازش کوانتومی و علوم داده» و «هوشمند سازی و تحول صنعتی و کشاورزی».

انکاتی درباره این مصوبه قابل‌تأمل است. از جمله آن‌ها، نقش کمرنگ و ناچیز بخش خصوصی در اقدامات کلان است. اگرچه در تبصره ۴ آن، بر «رویکرد مشارکتی و مردمی و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های بخش خصوصی و عمومی» تأکید شده، اما واقعیت غیرقابل‌کتمان این است که روح حاکم بر سند، کاملاً دولتی و حاکمیتی است. در شرایطی که بخش مهمی از توان کشور در حوزه فضای مجازی، به ظرفیت‌های مردمی و بخش خصوصی تکیه دارد، به نظر می‌رسد لازم است اطمینان‌خاطری که این سند برای این گروه مهم ایجاد می‌کند، تقویت شود.

دیگر آنکه در کنار ابلاغ این سند، خبر تصویب «شرح وظایف، اختیارات و ترکیب اعضای کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی» منتشر شد؛ خبری که طبق آن، اعضای این کمیسیون شامل نمایندگان از شورای عالی فضای مجازی، نماینده روسای قوه مقننه و قضاییه، نمایندگان وزارتخانه‌های ارتباطات، اطلاعات و ارشاد، نماینده صداوسیما، نماینده سپاه پاسداران و نماینده فراجا خواهد بود و حضور افراد صاحب‌نظر و نمایندگان بخش خصوصی در این کمیسیون، صرفاً به دعوت رئیس کمیسیون (دبیر شورای عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی کشور) آن‌هم بدون حق رأی امکان‌پذیر خواهد بود. باید اذعان داشت محدود کردن نمایندگان بخش خصوصی و صاحب‌نظران تا این حد که به‌نوعی نمایندگان مردم نیز در شورای مذکور محسوب می‌شوند که در اصل کاربران عمده و اصلی فضای مجازی هستند اقدام تأمل‌برانگیزی به نظر می‌رسد.

۴. حکمرانی بر داده یا حکمرانی با داده

در یک دسته‌بندی اولیه می‌توان حکمرانی در فضای مجازی را به دو قسم «حکمرانی بر داده» و «حکمرانی با داده» تقسیم کرد. در قسم نخست نظام‌های سیاسی تلاش می‌کنند از طریق تنظیم‌گری و قانونمند کردن کلبه فرایندهای جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، نگهداری، استفاده و بازیابی داده‌های شخصی شهروندان خود، اهداف و مقاصد حکمرانی ملی در زمینه صیانت از حریم شخصی، امنیت اجتماعی، کرامت انسانی و نظایر آن را برآورده نمایند. نمود حکمرانی در این مورد مبتنی بر وظیفه نظام سیاسی در قبال حقوق و منافع آحاد جامعه نسبت به منفعت‌طلبی کلبه فعالیت‌های سوداگرانه بخش عمومی، دولت و بخش خصوصی از طریق بهره‌برداری از اطلاعات شخصی است (میرزا پور، ۱۳۹۸: ۸). بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته به‌ویژه کشورهای عضو در اتحادیه اروپا از چنین مسیری به بحث حکمرانی داده ورود داشته‌اند.

اما قسم دوم به معنی ملی سازی داده است و حکمرانی را در معنای وسیع تری می بیند و با مبنا قرار دادن توسعه کسب و کارهای بومی در سطح بین المللی، درصدد پرورش و برانگیختن شرکت های داده محور داخلی برمی آید. تجربه تنظیم گری فضای مجازی در برخی کشورهای عمدتاً غیراروپایی یا خارج از گفتمان رسمی اتحادیه اروپا همچون چین، اندونزی، سنگاپور، روسیه و... نشان می دهد در سال های اخیر نظام حکمرانی در این کشورها از اکتفا کردن به مقررات گذاری یا مقررات زدایی صرف پرهیز کرده و متناسب با سیاست های کلان اقتصادی و اولویت های نظام حکمرانی، راهبردهای مداخله ای متفاوتی در مدیریت این فضا اتخاذ کرده است. اقبال عمومی به سوپراپلیکیشن ها در آسیای شرقی نمونه قابل توجهی از موفقیت ایده جایگزین های بومی برای غول های فناوری است که حمایت گرایی اقتصادی را بر بستر رقابت آزاد داخلی قرار داده و مقررات گذاری را نه به مثابه هدف، بلکه به عنوان ابزاری در خدمت تحقق منفعت عمومی معنا کرده است. رویه شورای عالی فضای مجازی نیز در خصوص خط مشی گذاری و سیاست گذاری ها و مصوبات آن نشان می دهد که شورای مذکور نیز حکمرانی با داده را به عنوان راهبرد عملی خود برگزیده است.

۵. تداخل صلاحیت ها در رویه تصویب مصوبات

تعدد مراجع در یک نظام حقوقی امری اجتناب ناپذیر است؛ اما در یک نظام حقوقی مطلوب نهادهای خاص به امور مرتبط با وظایف خود می پردازند و در کار ویژه نهادهای دیگر مداخله نمی کنند چراکه باعث آشفتگی نظام حقوقی می شوند. باین حال شورای عالی فضای مجازی در مواردی وارد صلاحیت سایر نهادهای حقوقی شده است.

۱.۵. ورود به صلاحیت قوه مجریه

شورای عالی فضای مجازی در مصوبه خود به تاریخ ۳۰ دی ۱۳۹۲ اقدام به تعیین بودجه نموده است: «بودجه سال ۱۳۹۳ مرکز ملی فضای مجازی به منظور تحقق اهداف شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی فضای مجازی موافقت گردید و دولت مبلغ یک هزار میلیارد ریال از محل ردیف های درآمدی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به عنوان بودجه سال ۱۳۹۳ مرکز ملی فضای مجازی منظور نماید». وضع مصوبه با موضوع تهیه و تدوین بودجه از سوی نهادهای دیگر به منزله مداخله در کار قوه مجریه است که موجب ایجاد نابسامانی در برنامه یک ساله دخل و خرج کشور می شود. وظایف متعدد قوه مجریه به گفته محققان حقوق اساسی شامل اجرای تصمیمات قوای دیگر، تهیه و تدارک تصمیمات و اتخاذ تصمیم های لازم الاجراست. در مورد اجرای تصمیمات قوای دیگر که اولین وظیفه قوه مجریه است نیز شرایطی قائل می شوند. تصمیم های تقنینی از سوی قوه مقننه که سرانجام به صورت قانون لازم الاجرا درمی آید و دستگاه حکومتی و اجرایی اقدامات خود را بر پایه این قواعد یا در چارچوب آن استوار می سازد. تصمیمات قضایی از سوی دادگاه های صلاحیت دار که به شکل آرای قضایی لازم الاجرا صادر می شوند و قوه مجریه مکلف است کلیه لوازم و وسایل مورد نیاز را برای اجرای آنها به کار اندازد (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۰: ۲۲۲). اگرچه رئیس جمهور به عنوان یکی از اعضای حقوقی شورای عالی فضای مجازی در جلسات حضور دارد و در تدوین مصوبات شورا نقش دارد و برخی از وزرا نیز در اتخاذ این تصمیمات حضور دارند، اما اخذ تصمیمات لازم الاجرای نهادهای خاص برای این قوه مهم حاکمیتی در قانون اساسی پیش بینی نشده و این عدم پیش بینی و تعیین حدود موجب قاعده گذاری های خارج از ضابطه گردیده است. تهیه و تنظیم سند بودجه به وسیله قوه مجریه انجام می شود، زیرا این قوه مجریه است که دارای کلیه امکانات برای پیش بینی هزینه ها و درآمدها است و از لحاظ فنی می تواند مسائل پیچیده و ظریف و انعکاس رقمی فعالیت های خود را برآورد کند (طبق اصل ۵۲ قانون اساسی). بودجه سالانه از طرف دولت تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسد و هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود...

۲.۵. تحدید صلاحیت قوه مقننه

شورای مذکور در جلسه شماره ۲۶ مورخ ۲۵/۰۹/۹۴ در ماده ۲ مصوبه «سیاست‌های حاکم بر برنامه‌های ملی بازی‌های رایانه‌ای» برای مجلس شورای اسلامی تکلیف به اصلاح و تنقیح قوانین مرتبط با مالکیت آثار و قانون جرائم رایانه‌ای در جهت افزایش بازدارندگی، کاهش تکرار تخلفات و جرائم، حفظ حریم خصوصی و حقوق مصرف‌کننده نموده است. این در حالی است که پیشنهاد وضع قانون مطابق اصل ۷۴ قانون اساسی یا از طریق طرح و از سوی نمایندگان مجلس و یا از طریق تقدیم لایحه از طرف هیئت دولت انجام می‌شود و اصلاح و تنقیح قوانین نیز از قاعده لزوم تعمیق و شور نمایندگان مجلس و طی کردن تشریفات خاص خارج نیست. اصل حاکمیت قانون ایجاب می‌کند امور کشور مطابق اصول قانون اساسی انجام شود و شورای عالی می‌تواند این مصوبه را از طریق هیئت‌وزیران به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

نتیجه‌گیری

با تفاسیر پیش‌گفته در مورد سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری و قانون‌گذاری می‌توان گفت که صلاحیت شورای عالی فضای مجازی در حقیقت سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری است و مرجع مؤسس آن یعنی مقام رهبری نیز انتظاری بیش از سیاست‌گذاری از این نهاد ندارد. چنان‌که شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز به‌عنوان نهاد هم‌عرض برای خود صلاحیت سیاست‌گذاری قائل است با توجه به این سخنان باید گفت تصمیمات شورا باید غیرقطعی، عام و کلی و در راستای هماهنگی نهادهای سیاسی پایین‌دست و بنابراین دارای ثبات طولانی باشد و هدف آن‌ها در راستای کلی‌ترین اهداف، چنانچه شورای عالی ضمن تعمیق در امور مرتبط با فضای مجازی به امر سیاست‌گذاری بپردازد و بجای وضع قواعد لازم‌الاجرا به تعیین خط‌مشی و همکاری با قوا مخصوصاً قوه قانون‌گذار از طریق پیشنهاد موارد مرتبط با امور فضای مجازی (که مطابق با صلاح‌دید این شورا نیاز به هنجار سازی در جامعه برای آن وجود دارد) به هیئت‌وزیران برای تبدیل به لوایح کاربردی و تخصصی و تقدیم به مجلس همت گمارد در جایگاه اصلی خود قرار خواهد گرفت و به اهداف عالیه تأسیس خود جامعه عمل پوشاند.

در پژوهش حاضر جایگاه شورای عالی فضای مجازی به‌عنوان یکی از نهادهای خاص قانون‌گذاری که به‌موجب حکم حکومتی تأسیس شده مورد واکاوی قرار گرفت و بر آن بودیم که بایان برخی مصوبات این شورا در طول بیش از یک دهه قاعده‌گذاری موارد خروج از صلاحیت و همچنین نقض حریم خصوصی و به‌تبع آن قانون اساسی بیان گردد. پیشنهاد می‌شود شورای عالی فضای مجازی در امور مرتبط با فضای مجازی و در جهت بهره‌گیری حداکثری از آن برای پیشرفت همه‌جانبه کشور و تعامل در فضایی سالم و ایمن برای شهروندان که هدف غایی شورا و متن دستور مقام رهبری بوده است بپردازد و با همکاری قوا و سایر سازمان‌ها امور مربوطه را ساماندهی نماید و برای صیانت از قانون اساسی و حفظ حقوق بشر و آزادی‌های عمومی و همچنین به‌منظور بهبود عملکرد شورا شایسته است مصوبات شورای عالی فضای مجازی به مجلس و عنداللزوم شورای نگهبان ارسال شود تا در صورت مغایرت با قوانین بالادستی اصلاح و ابلاغ شود. این شورا می‌تواند از سازوکار پیشنهاد به دولت و تصویب هیئت‌وزیران و ابلاغ بخشنامه نیز بهره‌گیرد. طبیعتاً تعامل با قوه مجریه از طریق ارائه پیشنهادهای کلی از سوی رئیس‌جمهور به هیئت‌وزیران و برای تبدیل این پیشنهادها به لوایح اجرایی تر و تخصصی‌تر و به‌تبع آن تقدیم به مجلس برای ایجاد قواعد حاوی حقوق و تکالیف برای عموم مردم مصوبات خود را در قالب لایحه و از طریق قوه مجریه به مجلس تقدیم نماید تا نمایندگان مردم با تأیید و تصویب آن به پیشنهادهای رسیده رسمیت دهند.

۱. میرزا پور، حسین (۱۳۹۸)، بررسی و تحلیل چالش‌های تنظیم گری فضای مجازی، اندیشکده حکمرانی شریف، دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی، آبان ۱۳۹۸. ص ۸.
۲. آگاه، وحید، درخشان، داور (۱۳۹۸)، عرف اساسی حل اختلاف یا حل معضل نظام، واکاوی جایگاه احکام حکومتی در حقوق اساسی ایران با تأکید بر مطالعه موردی، مجموعه مقالات اصول نانوخته قانون اساسی، قم، انتشارات دارالعلم.
۳. تکلو، سمیه، مراد خانی، فردین (۱۴۰۰)، تعدد نهادهای قانون‌گذاری با تأکید بر جایگاه شورای عالی فضای مجازی، نشریه علمی مطالعات حقوقی معاصر، سال ۱۲، شماره ۲۲، ص ۸.
۴. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۹۹)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران، دانشگاه تهران.
۵. جلالی محمد و سازگاری، صادق (۱۳۹۹)، پابندی نهادهای سیاست‌گذار به حدود مفهومی سیاست با نگاهی به امکان‌سنجی نظارت قضایی بر آن، فصلنامه حقوق اداری، سال ۸، شماره ۲۹، ص ۲۸.
۶. اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)، سیاست‌های انتقال فاوا: بررسی نقش دانش ضمنی، فصلنامه سیاست، شماره ۴، ص ۶۸.
۷. اسماعیلی، محسن و نصراللهی، محمدصادق (۱۳۹۵)، پالایش فضای مجازی، حکم و مسائل آن از دیدگاه فقهی، فصلنامه علمی پژوهشی دین و ارتباطات، سال ۲۳، شماره ۱، ص ۵۷.
۸. حسین نژاد، سید مجتبی (۱۳۹۸)، بررسی فقهی بغی در فضای مجازی، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۵، شماره ۵۵، ص ۵۵.

9. Aldrich, Richard (2019), Are cyber-attacks regarded act of war? And how does this fit into traditional law of armed conflict? London, max way press.
10. Smith, Graham JH, (2016), internet law and regulation, sweet & Maxwell publisher, London.
11. Thomton, sean M (2020), states criminal law in cyber space the Richmond journal of law and technology, volume IV, Issue 2. P28.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی